

از جسم بهترین حرکاتی «صلوة» بین  
وز نفس بهترین سکنااتی «صیام» دان  
«خاقانی شروانی»

«۳»

## صیام<sup>۱</sup>

دسته‌ای، این جمله را از روی نادرستی به: «ابوزید انصاری» (۵۶۱۵) یا به بساطت این جمله را: «تازیانی که مورد اطمینان هستند» و «دساترین» (فصیح ترین) تازیان می‌بینند. *پیشانی و مطالبات فرهنگی*  
از آن بزرگ‌نشینده‌ای که گفت: «الصوم النبیة عن رؤیة مادون اللہ لرؤیة اللہ تعالی». «صوم مادون اللہ را بیان می‌کند. مریم می‌گوید که: «انی نذرت للسر حمن صوما» که افطار آن جزو لقاء اللہ تعالی نباشد. مصطفی - علیه السلام - از اینجا گفت: «للصائم فرحتان فرحة عند افطاره وفرحة عند لقاء ربه». درینا از خبر «صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته» چه فهم کرده‌ای؟ و از آن صوم، چه خبر شاید داد؟ که ابتدای «آن صوم» از خدا باشد، و آخر افطار آن به خدا باشد. «الصوم جنة» سپهر و سلاح صوم برگیر. گاهی صایم باش، و گاهی مفطر که اگر همه صوم باشد، محرومی باشد؛ و اگر همه افطار باشد، یک رنگی باشد. مگر که مصطفی - علیه السلام - از اینجا گفت: «من صام الا بدفلا صیام له». صایم در خود یکی آمد که «الصوم»

نعت او بود. «وهویطعم ولایطعم» این معنی بود. «صایم الدهر» او بود - جل جلاله - دیگران را فرموده است که: «صوموا ساعة و أفطروا ساعة» تاخود «صوم» هر کسی از چیست؟ و افطار هر کسی به چیست؟ شنیدی که «صوم» چه باشد!

در قاموس کتاب مقدس (ترجمه و تألیف مسترهاکس آمریکائی طبع بیروت ۱۹۲۸) آمده که: «روزه کلیه در تمام اوقات در میان هر طایفه و هر ملت و مذهب در سوق وروداندوه و زحمت غیر مترقبه معمول بوده است، و می توان گفت که حکم طبیعت است که در این مواقع پرورش و نمورا ترك می کند و اشتها را می برد و محرك اجتناب دیگر می باشد. در کتاب مقدس به هیچ وجه اشاره نیست که قبل از ایام موسی روزه به طور صحیح معمول بوده است و چهل روز روزه داشتن آن حضرت و ایلیا و خداوند ما عیسی مسیح به طور معجزه و خارق عادت بوده است. قوم یهود غالباً در مواقعی که فرصت یافته می خواستند اظهار عجز و تواضع در حضور خدا نمایند روزه می داشتند تا گناهان خود را اعتراف نموده، به واسطه روزه و توبه، رضای حضرت اقدس الهی را تحصیل نمایند. و مخصوصاً در مواقع مصیبت عام روزه غیر مرسوم قرار می دادند، و در این صورت اطفال شیر خواره و گاهی حیوانات را نیز از خوردن و چرامنع می کردند.

شروع روزه و امتناع از خوراك از غروب آفتاب بود که آن شب و فردا را تا غروب بدون خوراك به سر می بردند.

«روزه اعظم» با کفار محتمل است که فقط روزه يك روز سالیانه مخصوص بود که در میان طایفه یهود مرسوم بود. و البته روزه هایی موقتی دیگر نیز از برای یادگاری خرابی اورشلیم و غیره می داشتند، و یهودیان صرف و متقی در ایام عهد جدید هفته دو دفعه یعنی روز دوم و پنجم هفته روزه می داشتند. لکن از وضع رفتار مسیح به هیچوجه معلوم نیست که خود روزه مخصوص داشت و یا امر به روزه مخصوص فرمود، ولی يك وقت به زبان مبارک خود فرمود که، شاگردانش بعد از فوت او روزه خواهند داشت.

بنابراین حیات حواریان و مؤمنان ایام گذشته عمری مملو از انکار لذات و زحمات بی شمار و روزه داری بود. و بر حسب نص انجیل، خداوند ما این عادت را منتظر نظر داشته! حواریان آن حضرت نیز در موقع لزوم منظور و معمول همی داشتند، لکن امری برحمت و وجوب آن نفرمودند، و همواره باید متذکر باشیم که پرهیز و روزه در خود فی نفسه مفید فایده و مثمر ثمری نیستند! اما فقط هم چون مدد و اعانتی از برای تقدس و توبه می باشند، یکی از علامات ارتداد عظیم حکم پرهیز از گوشت می باشد.

در کتاب نقایس الفنون و عرایس العیون (تألیف محمد بن محمود آملی) چاپ سنگی (صفحه ۱۲۸) درباره صوم بحثی مستوفی دارد که عین آنرا در لغت نامه شادروان علی اکبر دهخدا ذیل لفظ «صوم» آورده اند.

در اینجا تنها از لغت نامه معنی لغوی و اصطلاحات و ترکیبات صیام، و صوم، را می آوریم:

«صوم: (مصدر لازم عربی) باز ایستادن از خوردن روزه داشتن.

صوم رمضان: روزه ماه رمضان. خاموش بودن، ایستادن بی کار، روزه، رمضان، کلیسای ترسایان، سرگین شتر مرغ.

صوم الاربعین: (ترکیب اضافی)، کادراژاسیما *Quadragesima* در فرانسه کارم کادراژیسم *Carême, quadragesime* دوره پرهیز نزد کاتولیکان که چهل و شش روز از چهارشنبه اول هفته یی که پیش از عید احیای مسیح است تا «پاک» طول می کشد.

صوم الصمت: (ترکیب اضافی)، روزه یی که در آن سکوت کنند و سخن نگویند.

صوم العذارا: (ترکیب اضافی)، همان «صوم العذراء» باشد که خاقانی شروانی شاعر فحل قرن ششم هجری در قصیده غرای:

فلک کز روتر است از خط ترسا      مراد دارد، سلسل راهب آسا  
گوید:

به خمسین و بذبح و لیلۃ الفطر      بعید الهیکل و صوم العذارا  
و «صوم العذراء» لفظ به معنی: روزه حضرت مریم، روزه سکوت که مریم

گرفت آنگاه که عیسی متولد شد و چون بنی اسرائیل وی را از چگونگی ولادت طفل پرسیدند اشارت به کودک کرد که از او پرسید! و عیسی به سخن آمد و بدانها پاسخ داد.

سیام: (مصدر لازم عربی)، ناصر خسرو گوید:

تا نپذیردت ز تو زی خدای نیست پذیرفته صلاه و سیام  
خاقانی شروانی گوید:

از جسم بهترین حرکاتی صلوات بین

وز نفس بهترین سنگنایی سیام دان

مسعود سعد سلمان، گوید:

نزد خداوند عرش بادا مقبول

طاعت خیر است و سیام و قیامت

مولوی بلخی فرماید:

نی مرا هر شب مناجات و قیام

نی ترا در روزه پرهیز و سیام

عید سیام، عید رمضان: روز اول شوال:

فرخی سیستانی گوید:

عید قربان بر او مبارک باد هم بر انسان که بود عید سیام

حافظ شیرازی فرماید:

حافظ منشین بی‌می و عاشق زمانه

کایام گل و یاسمن وعید سیام است

ماه سیام، مه سیام، شهر رمضان، ماه رمضان: ماهی که در آن روزه داشتن

واجب است مسلمانان را.

خاقانی شروانی فرماید:

جاهش زد هر چون مه عید از صف نجوم

ذاتش ز خلق چون شب قدر از مه سیام

سوزنی سمرقندی گوید:

کرد در مه‌صیام شود خواننده این مدیح  
 بر تو به خیر باد مدیح و مه صیام  
 نزاری قهستانی گوید:

خجسته باد و مبارک قدوم ماه صیام  
 بر اولیا و احبای شهریار انام

در مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة ( تألیف عزالدین محمود بن علی  
 کاشانی متوفی ۷۳۵ ) به تصحیح و مقدمه و تعلیقات استاد دانشمند محقق و شاعر  
 نغز گوی ارجمند جناب آقای جلال‌الدین همایی دو فصل در فضیلت «صوم» و  
 اختلاف اجوار صوام و شرایط و آداب صوم و افطار دارد که بسیار متقن و  
 گران ارز است بدین شرح:

فضیلت صوم و اختلاف اجوار صوام:

جملة حسنات را ثواب معینی است و غایت آن هفتصد بیش نه، الا صوم  
 که ثواب آن معین نیست و حق تعالی آنرا به خود اضافت کرده است و ضامن  
 جزای آن شده، چنانکه در حدیث ربانی آمده است که: « کل حسنة بعشر  
 امثالها الى سبعمائة ضعف الا الصيام فانه لي و انا اجزي به » و صبری که اجر  
 آن بغیر حساب است گویا حصه‌ی است از نوع مخصوص به صوم بل صورتی  
 در آن قالب ریخته. و از این جهت در تفسیر « انما یوفی الصابرون اجرهم  
 بغیر حساب » گفته‌اند: مراد از این صابران صایمانند. و در خبر است که:  
 « الصبر نصف الايمان و الصوم نصف الصبر ».

ولفظ «صوم» در اصل لغت موضوع است از برای امساك مطلقاً، و در عرف  
 شریعت عبارت است از امساك مقید به طعام و شراب و وقایع از طلوع فجر تا  
 غروب آفتاب مقرون به نیتی معین. و مطلق امساك از طعام فضیلتی بزرگ است  
 خصوصاً مقید به حکم شرع. چه بیخ جملة شهوات و منشأ جمیع مخالفات امتلاء  
 از طعام است.

ذوالنون مصری. رحمه الله - گفته است: « ما أكلت حتى شبعت ولا شربت  
 حتى رویت الاعصیت الله اوهمت بمعصيته ». و به تقلیل طعام دل صافی گردد و

هوا بمیرد و نور عالم فزایش گیرد. چنانکه بشرحاقی گفته است که: «الجوع یصفی الفؤاد و یمیت الهوی و یورث العلم الدقیق»

و در خبر است: «ماملأ آدمی و عاه شراً من بطن» و فتح موصلی - رحمه الله - گفته است: «صحبت ثلاثین شیخاً کل یوصینی عند مفارقتی ایاه بترك عشرة الاحداث وقلة الاكل.»

ولقمان حکیم پسر خود را به قلت اكل فرموده است و گفته: «اذا ملئت المعدة نامت الفكرة و خرس الحکمة و قدمت الاعضاء عن العبادة.»

و عایشه - رضی الله عنها - گفته است: «أدیما قرع باب الملكوت یفتح لکم». گفتند: ادامت آن چگونه کنیم؟ گفت: «بالجوع و العطش.»

و یحیی بن زکریا - علیهما السلام - وقتی ابلیس را دید که می آمد با دامی چند پرسید که چیست این دامها؟ گفت:

شهوات اند که بدان بنی آدم را صید کنم! پرسید که هیچ شهوت از آنها به نام من می یابی؟ گفت: نه، الا آنکه شبی سیر بخوری و بدان سبب ترا از صلوة و ذکر متناقل و متقاعد گردانم. یحیی علیه السلام گفت: «لاجرم انی لا اشبع ابدأ». ابلیس جواب داد که: «لاجرم انی لا انسح اهدأ ابدأ». و یحیی معاذرازی گفته است: «الشیع نهر فی النفس یردها الشیطان والجوع نهر فی الروح یردها الملائكة و ینهزم الشیطان من جائع نائم فکیف اذا کان نائماً و یعانق الشیطان شعباناً قائماً فکیف اذا کان نائماً».

پس طالبان صادق که تمسک به عروه و ثقای عزیمت جویند باید که برحدوخصت اقتصار نمایند و از صوم تطوع بهره تمام بردارند و احوال مشایخ در آن مختلف و متفاوت است. طایفه‌یی در سفر و حضر بر آن مداومت نموده اند و تمسک بدین حدیث کرده که: «من صام الدهر ضیقت علیه جهنم مکذا و عقد تسعین» یعنی او را در دوزخ هیچ جای نبود.

و طایفه‌یی آنرا مکروه داشته اند به دلالت این خبر که از رسول - صلی الله علیه وسلم - پرسیدند که: «کیف بمن صام الدهر؟» جواب داد که: «لا صام ولا افطر».

وظایف اول این صوم دهر را که مکروه است تأویل کرده‌اند به صومی که تناول عیدین و ایام تشریق بود و حرمت آن از محل نزاع دور است. و طایفه‌ی «صوم داودی» اختیار کرده‌اند و فضیلت آن از این خبر که «افضل الصیام صوم اخی داود کان یصوم یوماً و یفطر یوماً» استفادت نموده. و وجه فضیلت «این صوم» آنست که مراد از «صوم» مخالفت نفس است و قظام او از عادت مألوف و هر گاه که نفس بر «دوام صوم» متماد شود، صوم عادت او گردد و به تماقب و تناوب صوم و افطار پیوسته در مخالفت بود.

و طایفه‌ی بر «صوم ایام شریفه» اقتصار نموده‌اند، و آن دروزعفره است و «عاشورا» و «عشر اول اذی الحججه»، و «عشر اول از محرم و رجب و شعبان» به حساب سنین، و اول شهر و اواسط و آخر آن، و «ایام البیض» یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه به حساب شهور، و آدینه و پنجشنبه و دوشنبه به حساب سالیان.

و طایفه‌ی بر «روز اطعام امساک» نموده‌اند و پیش از غروب افطار کرده تا هم مقصود که تجویع نفس است حاصل بود و هم آفت اعجاب به رؤیت صوم مندفع. و شیخ الاسلام - رحمه الله - بر اختیار این طریق انکار نموده است و گفته: اگر مراد صاحب این طریق آنست که به رؤیت صوم متمتع نشود و معجب نگردد. گاه بود که به رؤیت عدم متمتع به رؤیت صوم متمتع گردد، و همچنان محذور که اعجاب است باقی بود. پس طالب خلاص از این آفت به مخالفت علم با امکان وقوع آن بدین سبب روا نباشد.

و فی الجملة مشایخ در اختیار صوم سه فرقه‌اند، فرقه‌ی آنند که علمشان بر حال غالب بود و به عوارض حالات ممالات ننمایند و بر نیتی که دارند در صوم ثابت قدم باشند. و فرقه‌ی آنکه حالشان بر علم غلبه دارد، هر روز که بر خیزند بر وجه اشارت علم در دل ایشان اختیار صوم بود و در اثنای آن هر گاه که سببی از غیب سانح شود، چون احضار طعامی و حضور جماعتی که موافقت ایشان فضیلت بینند و بر مقتضای سلطنت حال از اختیار و ارادت خود به اختیار و ارادت حق تعالی منسلخ شوند. چنانکه جنید - رحمه الله - که علی‌الدوام به نیت صوم برخاستی، و هر گاه که بعضی اخوان حاضر شدند با ایشان افطار کردی و گفتی: «لیس المساعدة مع الاخوان باقل من فضل الصوم» و تخلیص نیت فضیلت در موافقت

از داعیه شهوت نفس کاری مشکل است و همه کس را آن مسلم نگردد .  
 شیخ الاسلام از شیخ ابوالسود حکایت کند که: از وی شنیدم که گفت :  
 «اصبح کل يوم واحب ما الی الصوم فینقض الحق تعالی محبتی للصوم بفعله  
 فأوافق الحق فی فعله» .

و فرقه‌یی آتند که حال و علم در ایشان معتدل بود و ایشان متصرف در هر دو  
 گاهی اختیار صوم کنند و به عوارض تفکرند، یا به جهت سیاست و تدبیر نفس خود  
 یا به جهت دیگران، چنانکه شخصی به سبب تربیت و سیاست نفس جوانی که صاحب  
 او شد، سالها روزه گرفت تا آن جوان بدو نگرده و به سیرت او اقتفا نماید و تأدب  
 کردد . و گاهی اختیار افطار کنند یا به جهت رفق و تعطف با نفس خود، یا به جهت  
 موافقت اصحاب، و اختیار ایشان در هر دو حال از اختیار حق بود . پس هر يك را از  
 این فرق سه گانه طریقی است خاص مناسب حال او و لکل وجهه هو، و لجهه .  
 در شرایط و آداب صوم و افطار :

شرط معظم صوم آنست که بنایش بر قاعده اخلاص بود و به شایسته ریاضت و هووی  
 آمیخته نباشد و مادام تا صاحب صوم در مقام اخلاص تمکن نیافته باشد، تا  
 بتواند در کتمان آن کوشد و حال خود را از نظر خلق پنهان .

دیگر آنکه اعضا و جوارح را به قید علم و حراست حال مضبوط و محروس  
 دارد، و همچنان که بطن و فرج را از طعام و شراب و جماع محافظت نماید، چشم  
 را از نظر به محرکات و مکاره و فضول رعایت کند و گوش را از استماع اصوات  
 محرکه و غیبت و لغو و لفظ (بانگ و خروش و جار و جنجال) و زبان را از کذب و غیبت  
 و نمیمه و شتم و فحش و فضول، و دست و پای را از تصرفات فاسده و سعی نامشروع  
 نگاهدارد، تا فایده صوم که عبارت است از ترک لذات و شهوات و نظام نفس از  
 مألوفات و مهورات به انطلاق و اتساع اود در طریق محصلات باطل نگردد، و  
 مضمون این حدیث که : ( کم من صائم لیس له من صیامه الا الجوع و العطش ) در  
 حق اوصاف شود .

و در خبر است که : ( خمس یفطرن الصائم : الکذب و النمیمه و الغیبه  
 و الیمین الکاذبه و النظر بشهوة ) و هم در خبر است : و انما الصوم حنة فاذا کان  
 احدکم صائماً فلا یرفت و یجھل فان امرؤ شامه فلیقل انی صائم .



و در صوم، امانتی است الهی پیش بنده چنانکه در خبر است که: «الصوم امانة فلیحفظ احدکم امانته» .

و محافظت آن جز به رعایت ظاهر و باطن و ضبط جوارح و جوانح صورت نبیند. چه هر گاه که عضوی از اعضاء بر خلاف اشارت علم تصرفی کند در آن امانت خیانت کرده باشد. «یعلم خائنة الاعین و ماتخفی الصدور» .

دیگر آنکه در حالت صوم خاطر به اهتمام رزق از جهت افطار متعلق ندارد بلکه اگر پیش از وقت افطار طعامی از غیب پدید آید به جهت افطار ذخیره نکند و به کسی دهد که در وقت بدان محتاج بود. چه ادخار معلوم از ضعف یقین و اتهام رزاق تولد کند. و از این جهت گفته اند: «المعلوم شوم» ، و اگر کسی در روز بر نامعلومیکه از غیبت فتوح شود افطار کند بهتسر از آن که در صوم از بهر افطار معلومی معدومها دارد، پس اگر با وجود توکل و ترک معلوم بر صوم ملازمت نماید «نور علی نور» بود .

دیگر آنکه اگر در میان جماعتی متوکلان خواهد که روزه گیرد ، باید که به اذن ایشان بود تا خاطرشان به فطور او متعلق نباشد و برایشان نباشد که اگر چیزی از غیب فتوح شود از بهر وی ذخیره کنند الا وقتی که ضعیف الحال بود یا ضعیف البنیه .

و در افطار شرط آنست که از طعام حلال خورد و بسیار تناول نکنند ، چه هر گاه که در صوم به وقت افطار آنچه در ایام افطار به دفعات تناول کردی به یک دفعه تناول کند فایده صوم که قهر نفس و منیع اوست اتساع از حظوظ فایت گردد بلکه کدورت و ثقل زیادت شود . و چون نفس را در طعام که قوی تر مألوفی است بر حد ضرورت بدارد و از استکثار مانع شود . اثر آن در دیگر احوال او از کلام و منام و غیر آن سرایت کند و در جمیع اقوال و افعال بر حد ضرورت بایستد . و باید که سحر و به کار دارد و در تأخیر آن و تمجیل فطور بکوشد . چه در خبر است «تسحر و فان فی السحور برکة» . و هم در خبر است که : ان احب عبادی الی اعجلهم فطوراً» .

و پیش از نماز به آب یا شیرینی افطار کند . و بعد از طعام سنت آنست که

آنها به صلوة یا تلاوت یا ذکر بگذارد ، چنانکه درخبراست ، «آذیبوا طعامکم بالذکر» . و هرگاه که کسی براین شرایط ملازمت نماید . فایده «صوم» او را حاصل گردد .

و «صوم» از جمله معظمت ارکان اسلام است . و نظریه عموم حکم ، جمله مکلفان را صوم «رمضان» فرض است ، و اما «اهل خصوص» و متصوفه را در جمیع ایام بر آن مداومت نمودن لازم قضیه حال است الاوقتی که مانعی علمی یا حالی افتد .

حکایت است از رویم - رحمه الله - که وقتی به کوچه بی از کوچه های بغداد درمیانه روز می گذشتم . تشنه شدم و از درخانه بی آب خواستم ، ناگاه دخترکی بیرون آمد کوزه نوپراز آب سرد برکف ، چون مرا دروزی متصوفه دید گفت: «صوفی یشرّب بالنهار!» و کوزه اذ سر تعنت بر زمین زد و بشکست! و من از آن حال شرمسار شدم و نذر کردم که هرگز به روز افطار نکنم ، اکنون که اقوال و روایات مختلف دینی و فلسفی و عرفانی را درباره «صیام» و «صوم» خواندیم چه خوب است کنایات و عبارات و ضرب المثلهای همگانی را که به معنی فارسی آنها : «روزه» تعلق گرفته بدست دهیم تا برای این گفتارها حسن ختامی باشد .

درفر هنگ برهان قاطع ( تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان) به تصحیح و تحشیه و اضافات استاد دانشمند جناب آقای دکتر محمد ممین چنین آمده :

« روزه: به ضم اول و کسر سوم (در لهجه مرکزی) از روز + ه (نسبت) منسوب به روز : یک روزه ، دو روزه؛ نخوردن و نیاشامیدن از سحر تا غروب ( از اعمال دینی ) و در ماه رمضان روزه داشتن مسلمانان را واجب است ، صوم» روزه مریم : کنایه از خاموشی و سکوت باشد، و کنایه از مرگ و موت هم هست . اشاره به «روزه صمت» مریم : در قرآن کریم ، سوره ۱۹ (مریم) آیه ۲۷ خطاب به مریم آمده «فقولی انی نذرت للرحمن صوماً فلن اکلم الیوم انسیاً» .

درفرهنگ نفیسی ( تألیف مرحوم دکتر علی اکبر نفیسی ناظم الاطباء  
چنین آمده:

روزه داشتن : صائم بودن و عمل روزه را به جا آوردن و هیچ نخوردن  
و نیاشامیدن در مدت روز .

روزه عزلت : صوم ۲۴ ساعت که در مدت یک شبانه روز هیچ نخورند  
و نیاشامند .

روزه گشودن : افطار کردن . روزه خوار آنکه روزه می خورد و روزه  
نمی گیرد مقابل روزه دار .

روزه دار : صائم . و کسی که روزه می دارد . روزه راه روز رحلت و  
حرکت به سفر .

درامثال وحکم شادروان علی اکبر دهخدا ضرب المثل های شیرین درباره  
روزه، گرد آمده است، از جمله :

روزه بی نماز، عروس بی جهاز، قورمه بی پیماز: چیزی ناقص امری ناتمام.  
روزه خوردنش را دیده ایم، نماز خواندنش را ندیده ایم: مثلی مزاح  
گونه است که بدان بی مبالائی ممثل را در امر عبادات خواهند .

روزه دار و به دیگران بخوران : نامخوردن روز و شب شکم بدران ( اوجدی)  
روزه کنجشکی گرفتن : تا نیم روز، روزه بودن و سپس شکستن و این کار  
را کودکان به تمرین کنند.

روزه نمازش را درست نمی کرده است : البته در این مدت طویل  
رنج بردن، چیزی آموخته است، یا عمل را به پایان برده است .

روزه شک دار گرفتن، آدم چار و زده شک دار بگیرد : کاری را که  
احتمال زبان و خسارانی در آن است نباید مرتکب شد . ( پایان )